نسوان تنك ذلت وپستی تاچند؟ درحالت نیستی و هستی تاچند؟
بازیچه بدن بدست رندان تاکی؟ درقید هوا و مد پرستی تاچند؟

شمارهٔ اول
سال دوم

عالم نسوان



۱۳۰۰

هر دو ماه یك شماره طبع میشود

محرم ۱۳۴۰ – سنبله ۱۳۰۰ – سپتامبر ۱۹۲۱

در تحت نظر مجمع فارغ التحصلین مدرسه عالی اناثیه امریکائی ایران

صاحب امتیاز – نوابه خانم صفوی

وجه اشتراك

تك نمره	۲ قران
آبونه سالیانه درمرکز	۱۰ «
آبونه سالیانه درخارج	۱۲ «

قیمت اعلانات



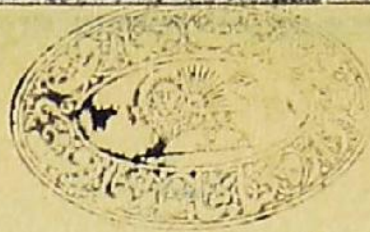
صفحات اول	صفحات آخر
یك صفحه ۴۰ قران	۲۵ قران
نصف صفحه ۲۵ قران	۱۵ «
ربع صفحه ۱۵ قران	۱۰ «

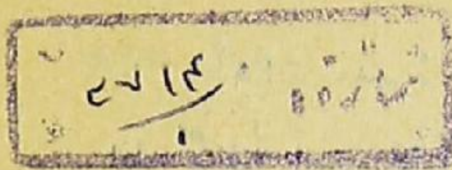
محل اداره: طهران – مدرسه عالیه امریکائی

توزیع – مطبعه فاروس خیابان لاله زار – مغازه انصاف آقا بابا جلوخان شمس العماره کتابخانه اقبال

مطبعه «فاروس» طهران

فهرست مندرجات





اعــــلان

عالم نسوان با نهایت احترام خواطر آقایان معظم و خوانین محترمه را بایـن نکته جلب مینماید که نمرات سال دویم مجله فقط به مشترکینی که وجه آبونمان سال دویم آنها باداره رسیده فرستاده خواهد شد امید وار هستیم که تمام دوستان معـارف پرور بدون فوت وقت نه فقط آبونمان خود را تجدید فرمایند بلکه ازمیان آشنایان خود مشترکین جدیدی برای ادارهٔ ما تهیه فرمایند

وجه آبونه در طهران ده قران و خارج از پایتخت دوازده قران است .

شمارهٔ سوم مجله عالم نسوان هیچ در دفتر مدرسه یافت نمیشود ، ولی نمرات چهار و پنج و شش و عدهٔ قلیلی از شمارهٔ یك و دو نقداً موجود است . طالبیـن به اداره رجوع فرمایند



مسابقـه

هیئت، مدیرهٔ مجلهٔ عالم نسوان به کمك مالی یکی از معارف پروران محترمه‌در نظر گرفته است که آبونمان یك سالهٔ کاوه را من حیث الجایزه به کسیکه لایحهٔ بدیعی به بهترین طرز در تحت موضوع «مضار عروسی در عهد صباوت» برشته تحریر در آورد تقدیم نماید .

شرایط آن از قرار ذیل است : ـ

۱ . نویسندهٔ مقاله باید از طایفهٔ نسوان بوده باشد

۲ . طول مقاله بیش از ۲۵۰۰ کلمه نباشد

۳ . لازم است که مقاله با امضای نویسندهٔ آن باداره‌برسد ولی هرگاه‌نویسندهٔ محترمه مایل نباشد که اسم او علناً در مجله درج شود امضای معزی الیها در اداره محفوظ خواهد ماند .

٤ . لوایح باید بعنوان مدیره محترمه عالم نسوان فرستاده شود و تا اواخـر شهر ربیع الاولی باداره برسد

٥ . هر خانمی که موفق باخذ جایزه گردید و من حیث المجموع گوی سبقت را از دیگران ربوده اسم و لایحه اش در شمارهٔ سوم مجلهٔ عالم نسوان سال دویـم مندرج خواهد گشت .

شمارهٔ اول

عالم نسوان

سال دوم

شرکت اولیاء اطفال در کار های مدرسه



در موقع افتتاح مدرسه در پائیز خوب است پدران و مادران را متذکر شویم که آنها مانند معلمین مسئولیت تربیت اطفال خود را دارا میباشند و در واقع مادامیکه اولیاء از صمیم قلب با معلمین در کار شرکت‌نجویند مدارس پیش رفت نخواهدکرد

از وظایف اولیاءاست که‌اطفال خود را مجبور نمایند منظما در مدرسه حاضر شوند بعذر مهمانی و حمـام رفتن یا فقط برای آنکه اطفال مایل نیستند در بعضی‌روز های مخصوص در مدرسه حاضر شوند یا دلایل دیگر در منزل بمـانند همچنین اولیـاء موظف اند اطفال را بموقع و در سر وقت چه در صبح و چه بعد از ظهر اگر در موقع ظهر برای صرف نهار بمنزل میایند - بمدرسه بفرستند مادران بایـد مواظب باشند که اطفال صبح قبل از رفتن بمدرسه صورت گوش و گردن و دستها ناخونهای خود را تمیز شسته موی سر خود را شانه و ماهوت پاك کن بزننـد لباس مدرسه اطفال باید ساده تمیز و پاك باشد لباس ابریشمی و مخمـل برای مدرسه تهیه نشده و در آنجا نباید پوشیده شود

در مراجعت از مدرسه اطفال نباید فوراً مشغول تهیه دروس خود شوند بلکه باید اقلا دو ساعت استراحت کرده و تنفس داشته باشند وممکن است در این دو ساعت قبل از آنکه دروس خود را حاضر کنند مادران را در کار های خانه کمک نمایند خبط و خطای بعضی از مادران آنست که اطفال رااجازه میدهند تا نصف شب نشسته دروس روز بعد را یاد میگیرند و از جمله عادات بد است طفلی که تمام روز را زحمت کشیده خسته شده کله او از درك مطالب درس عاجز وامتناع میورزد تا نیمه شب وقت خود را صرف آموختن دروس نماید در صورتیکه آن طفل میتواند هنگام صبح در مدت کمی دروس خود را کاملا بیاموزدودر روز بعد بدون آنکه گیج وخسته باشد از اداء دروس عاجز نماند شب نشستن نه فقط جهة توسعه فکر و خیال مضر است بلکه سکته بسلامتی مزاج وارد ونشو و نماء اطفال را در مضیقه میگذارد اولیاء باید اطفال را مجبور نمایند شب درساعتی بخوابند که تا صبح هشت یا نه ساعت خواب کرده باشند و صبح زود بر خواسته دروس خود را مطالعه کنند چه یکساعت تحصیل درصبح مطابق دو یا سه ساعت زحمت در شب است

طریق دیگری که بوسیله آن اولیاء میتوانند بمدرسه کمك کرده برای اطفال خود زحمت بکشند آن است که بمدرسه آمده معلمین را شناخته وراجع بترقی اطفال با آنها داخل مذاکره شوند و باید اولیاء بوسیله اطفال علاقه تامی بجزئیات زندکانی مدرسه نشان داده بر ترقی آنها افتخار کنند بالاخره مدرسه تاثیرات صحیحه خود را در زندکانی اطفال خواهد بخشید در صورتیکه اولیاء خود را مطیع تصمیات معلمین دانسته دائما باکمال احترام و شرافت از آنها صحبت بدارند

روح بشاش

مخدرات چه معلمه چه مدیره منزل و چه مشغول کار دیکر باشند دوره

زندگانیشان مشتمل از طی یك جادهٔ و اعمالشان مرکب از تکرار همان کار های روزانه خودشان خواهد بود .

از یك نواختن کار ها خسته میشویم ولی متاسفانه چاره نداریم در اینصورت اگر دقیق نباشیم کج خلق شده دایما از حیات خود شاکی خواهیم بود ما طریقه که بتوانیم خود را در دورهٔ کار روزانه خرم و راضی نگاهداریم آنستکه پیش آمد را بنحوی نیکو تلقی نموده و ابداً از آن شکایت نکنیم .

میتوانیم زندگانی خود را با شکایت و قرقر گذرانده در حالیکه عرصه را بر خود و دیگران تنك نمائیم و از طرفی هم میتوانیم پیش آمد ها را بهر طور که شند با دلی شاد و خرسند تلقی نموده و کار روزانهٔ خود را انجام دهیم . چون قصد کنیم که کار خود را کاملا تمام کنیم و آن کار (هر طور هم که باشد) مطلوب و نیکو خواهد شد .

مثلا تنظیف یك اطاق باعث لذت حقیقی انسان میشود در صورتیکه نتیجهٔ آن داشتن یك مکان پاك روشن بشود که در آن بنشینیم یا رفقای خود را پذیرائی کنیم . بعلاوه اگر بعون الله قصد داشته باشیم که رفقای خود راخوش دل داشته باشیم خود نیز قلباً و روحا شاد و خرم خواهیم بود .

حضرت سلیمان نبی فرموده قلب شاد مانند دوا مؤثر است

(حفظ الصحه)

آب و امراضی که آب سبب انتشار آنهاست

بقیه از شمارهٔ پنجم صفحه ٦

فاماً آب پاك در طبیعت و بر روی زمین وجود ندارد و مقصود ما از گفتن

آب پاك همانا آبی است که بیخطر باشد و نه پاك واقعی و الا حتی باران که در لطافت طبعش خلاف نیست چون نزول میکند گاز های مختلفه همچو اوکسیجن و آمونیا کاربون و بخارات گوگردی و دود و ذرات عفنه که از اجسام مرده و فضولات حیوانی و علف ها و نباتات گندیده و گرد وغبار را که شیخ الرئیس ابو علی ابن سینا در بارهٔ آنها بخوبی فرموده است

لو لا الد خان و القتام

لعاش النا س الف عام

در خود حل کرده حتی میکروب های که با گرد و غبار در هوا معلق هستند در بر گرفته بزمین میریزد و بهمین جهة است که اواخر باران بهتر و صافتر است از قسمت اول در فرنك که سقفهای فلزی یا سفالی‌و یا تخته سنك نازك ریگی دارند در هر جائیکه محتاج باب باشند میگذارند که قسمت اول باران که در آن مواد فوقند گرد وغبار و دوده و مدفوعات طیور رااز روی پشت بامها بشوید وبگذرد سپس بقیه باران را از ناودانها در پیپ ها وخمره ها جمع و ذخیره میکنند و آب خوبی است‌خاصه برای شستشوی البسه پشمینه بکار می برند و درجزایر کوچك‌حتی برای آشامیدن بکارمی آید خصوصا چون از نبودن مواد شربی بر پشت بامهامطمئن باشند (چه که مقدار کمی از سرب بلکه درهر پانزده من آب یك گندم سرب‌معلول موجب یبوست مزاج و درد امعاء و قوانج های سخت و فلج دستها حتی مالخولیا و گرفتگی روح شده است) هر چند از تمام بارانی که بر روی این کره ما میریزد متجاوز از ۱۰ /۷ آن بمحیط ها و بحار میریزد مع هذا مقدار آبی که بر زمین میبارد و میشود جمع وذخیره کرد مبلغ گزافی‌است مثلا میگوئیم امشب یك کره باران آمده اگرما بیست‌وپنج من آب‌را بیك‌ذرع‌مربع‌زمین بریزیم آنگاه دران‌یکذرع چهار گوشه‌بعمق‌یك گره‌زمین‌راخیسانیده‌ایم پس‌چون‌باران زمین‌راخیسانیددرهرذرع مربع بقدر

بیست‌وپنج‌من آب ناریده واین آب باران پس از آنکه درزمین نشرکرداز مجاری طبیعی از راه قناتها و چشمه ها میرسند و در وقت عبور مواد مختلفـه ارضی راحل کرده خاصه اگر در ینابع آبها مواد حامضهٔ قابل تحلیل باشد بیشتر محلل سرب و آهك و کوکرد و کچ و غیره میشود لهذا آبهای دنیا را تماما میشود گفت نا پاکند اما خطر ناك نیستند بسا آبهای ناپاك را لاعن شعور و نا دانسته خورده اند و خطری نداشته است آب وقتی خطرناك میشودکه میکروبهای مولد امراض رویه و ناخوشی های ساریه را حامل و ناقل باشد اب قناتها و چاههای عمیق و چشمه های ته جبال وتپه‌ها چون از مبالغی خاك وریك و شن و غیره عبور کرده وصاف میشوند بالکلیه‌بی‌خطرند و بدون هیچ‌معامله باآنها بااطمینان توان نوشید مشروط بر اینکه بعدها انسان وحیوان آن را آلوده نکنند آب چاهی را که چاهش از دو زرع کود تر نیست باید رد کرد چون کاملا از صافی طبیعی نکذشته بیخطر نیست و چاه عمیق هم باید دورهٔ لبهٔ چاه محفوظ باشد یا کناره طلمبهٔ چاه و اطرافش ترك و شگاف نداشته باشد که آنی را که بیرون آوردند و سر ریز کرد از این خلل و فرج دو باره بچاه نریزد و نشر نکند و الا بدوری یك میدان اسب هم دیده شده است که بواسطه ترك در سنك مبال مواد موذیه وناقل امراض بچاه آب رسیده وخورندکان آب چاه مبتلا بمرض وبا واسهال و ذوسنطار یا و غیره شده اند چنانکه دکتر سنو وجود وبا را در لندن از همین طریق ثابت کرد

و قبل از آنکه ذره بین میکروب وبا را معین کند این مرد دقیق وطبیب دور اندیش انتشار مرض‌وبا را بدستیاری آب مدلل و مبرهن کرد وذره بین بعدها چیزی را بر این تجربه دقیق حکمتی نیفزود شرح قضیه چنین بود در یکی از محله‌های لندن وبا بروز کرد چند نفری را کشت در همان اوقات در محله دور دستی یك‌خانم و یکنفر از دو کنیزهایش مبتلا شدند و مردند دکتر در فکر افتاد اگر هوا ناقل

سم وبا است(چنانکه خیال وزعم اطبای آن ایام بود) پس چگـونه است از آنمسافت بعیده پرید و همچون تیـر خدنك یا کاوله تفنـك آن دونفر را آماج و نشان خود قرار داد واهالی تمام کوچه ها و خانهای دیگر معاف ماندند لهذااز عوائد زندکانی خانم متوفی و کنیزش پرسید معلوم شد که خانم یکوقتی در محلـه وبائی سکـونت داشته و آب چاه آن محله بمذاقش خوش آمده بود پس از آنکه باینمحله هم آمـد یك روز در میان نوکرش را با دوچرخه شخصی میفرستاد و از آن آب برای صرف دو روزه میاورد و کنیز متوفی نیز با خانم شراکت در نوشیدن همین آب میکرد بر عکس کنیز دیگر حتی در محله سابق هم از آن آب خوشش نیامده بود ونمی نوشید و سالم هم ماند دکتر دقیق بمحله و بازده تشریف برد و دقت ها کردمعلوم شد چند روز قبل بچه را از آلمان‌بان حوالی آوردند که‌قی و اسهال داشت وکهنه هاو لباس او را شسته در چاه مبال فلان نقطه میریختنـد دکتر در چاه مبـال دقت کرد معلـوم شد ساروج چاه مبال ترك بر داشتـه مـواد رنك دار و صبغی در مبـال ریختند چون جریان چاه مبـال بالا تر و رو بچاه آب مشروب بود رنك مـواد بچاه آب نوشیـدنی نشر کرد و رابطه مبـال باچاه آب ثابت شد و معلوم شد آن بچه حامل میکروب وبا بوده شاید خودش هم نمـرد ولی میکروبهـا در آب دیکر و در امزجهٔ دیکران که مستعد بودند نشو و نما کرده و چندین نفر را کشت در وبای ۱۹ سال قبل برای حفظ الصحه وبا مقاله درهمدان می نوشتم شنیدم که در اصفهان وبا بروز نمی کند و اکر بروز کند خیلی زود منطفی وبر طرف میشود سبب را پرسیدم گفتند طلسم دارد در مسافرت بشیراز خواستم علت حقیقی این طلسم اصفهان را فهمیده باشم معلوم شد که هر خانوادهٔ چاه مخصوص به خود دارند و هر کس از آب چاه خانهٔ خود استعمال میکند همچو سایر بـلاد و یا بیچاره اهل طهران از جویها و مجاری که دست هر کس بان میرسد مشروب نمیشوند

آنگاه حقیقت طلسم اصفهان را درك کردم و خوب طلسم کار گری است

برای مزید اطلاع خوانندگان عرض میشود که احل و محل نشو و نمای و با یعنی وطنش در بنگالهٔ هندوستان است چون هنود را هر دوازده سال عیدی است کبیر و هر سی سال حجی اکبر جماعت کثیر برای درك ثواب این دو عید بزرك برای غسل در رود خانه گنجز از اطراف و اکناف هند مسافرت کرده و بمحل زیارت گاه و غسل گاه میروند زوار بنگاله میکروب وبا راباخودبانجا می برند درمحوطه غسل گاه برفقای حجاج سرایت کرده آنها باوطان خود در هند می برند و از آنها بهمسایها مسلم خود داده و حجاج و زوار مسلمان بمکه و عتبات و مشهد رسانیده از آنجا با حجاج و زوار ایرانی و عثمانی و قفقازی بسوقات باوطان خود میرسانند و در ایام گذشته تقریباً جهانگیر میشد ولی از وقتی که اروپائی ها در باب حفظ صحت اقدام کردند و انتشار وبا را از آب دانستند و جلوگیری کردند خود معاف شدند کانهٔ دعای امام سیم که در باره حفظ نفوذ اسلام فرموده و نفرین باعدای دین کرده و امزج میانهم بالوباء در حق آسیائی ها مستجاب شده فاستبصرو یا اولی الاباب

آب جویبار های ما و مجاری آبهای ما اولا علفهای کنار جویها تدریجا می پوسند و خوراك و محل نشو و نمای میکروب های مختلفه میشوند در جوی شسته شده و باران کنار جوی را شسته و بمجرای آب میریزدوجریان از حصار طویلهها و ادرار و مدفوع انسانی و سك و اسب و الاغ و کثافاتی که مردمان بیعلم و بی احتیاط که بملاحظه تطهیر در کنار جویها بجا میگذارند همه در جوی ریخته و بحوضها و آب انبار های ما میریزند این آبها بالکلیه لایق تنفرند و هیچ شایستهٔ استعمال نیستند عجبا فلان خانم یا فلان آقا که در نظافت شهرهٔشهر است جز عطر وصابون معطر چیزی برای سر و صورت بکار نمی برد گمان میکند بعضی

جا های تنش در جزء بدنش نیستند و برای طهارت از همین آبهای کثیف وبد بو و بد رنك حوض بر داشته بکار میبرد و خود را بانواع قرحه ها و صدمات مبتلا سازد و پارهٔ چاهها که در باغاتند و خیلی گود نیستند بعد از باران یا آبیاری کردن باغ و مزارع همجوار کودی که بباغ و مزارع و سبزبکاری داده و کثافاتی که از علفهای گندیده و برگها و پوستهای پوسیده درختها تراوش می کنند و در آن می‌ریزندورنك و بوی آب را ضایع می کنند ثابت می کنند آن آب سالم نیست و هر گاه بعد از باران آب چاه یا قناتی گل آلود و تیره شد این میزان و مقیاسی بدست ما میدهد که بهمین طور که مواد ناصاف و کدر در این آب نفوذ کرد پس قابل قبول مواد موذیه نیز هست لهذا اطمینان بخش نیست در ایران بدبختانه کمتر آبی داریم که ما مطمئنا از آن بدون دغدغه میتوانیم بنوشیم مگر چنانکه ذکر شد چشمه های تحت جبال وتپه ها و قناتهای دست نخورده ولی قنات دست نخورده کجا است ؟ جناب ناصر الملك از داشتن آب مطمئن و قنات دست نخورده عمارت خویش اظهار رضایت میفرمود یکی از عیان پس از چندی بباغی رفت و محتاج بمستراح شد دید مبالی است خنك و هیچ بوی عفونتی از آن استشمام نمیشود سبب مفرحی مبال را از صاحب باغ پرسید در جواب گفت بمجرای قناتی وصل است و فضولات را آب قنات چون زیاد است وکراست کثافات را می‌برد و مانع از تراکم و جمع شدن است پرسید قناتش از کیست گفت قنات جناب ناصر الملك است این شخص محترم جناب ناصر الملك را که بپاکی قنات عمارتش می بالید از قضیه خبر داد امر فرمودند چاه را بستند ولی تا کی بسته ومحروس ماند معلوم نیست در انگلستان در دو دهکده نصف ساکنین هر دو دیه مبتلا بمرض مطبقه (تیفوئید) شدند محققین حفظ الصحه در صدد دقت وکشف مسئله بر آمدند وخواستند علت اصلی را بدست آورند چه که یکی ازاین دو دیه از نهری می‌نوسیدند دویهٔ دیگر از یك چاهی معلوم شد که شخصی مبتلا بمرض

ثیفوئید که در تعداد «حاملین» محسوب میشـد در بالای دیه از نهر تطهیر کرده و آب نهر را آلوده کرده بود ودر دیه دیگر یك چاه مبالی را یافتند که ترکیده بود وبطریقی که در باب وبا ذکر کردیم رابطه چاه مبال را باچـاه مشروبی ثابت وعلت را مبرهن وواضح کردند در باغات ومزارع وییلاقات چاه آب نوشیدن را باید دقت کرد که از زمین مبال نه تنها دور باشد بل بلندتر باشد ومیل جریان ونشر آب رو بمبال باشد نه بالعکس تفحص ودقت در سالم بودن ینبوع وسرچشمهٔ آب از دقت ذره بینی وامتحان وتجزیهٔ شیماوی بهتر وعمده تر است چه که اگر سرچشمه مظنون شد واحتیاط بهم رسانید دیگر بامتحانات دیگر چه احتیاجی داریم ؟

آب رودخانه چون از اماکن بعیده می آیند خودرا پاك می کنند اگر در عرض راه آلوده نشود بیخطر است کنار چاههای قناتهای ما عموماً از زمین مجاور بلند تر ومیتوان گفت از سیل ها و آب مزارع تایکدرجه محفوظند ولی عموماً می بینیم مردم در سر چاه پوشیده، می نشینند و آنجاها را هم کثیف می کنند بر واضح است که اندك بارانی کثافـات و مدفوعات را حل کرده و از کنار سنگهای سر پوش چاه بمیان قنات میریزد

در بمبئی و کلکته که بر آورد استاتستیك صحیح بدست آمـده است و سابق حالات آبهای مشروبی آنها نیز بهتر از شهر های ما نبود بدستیاری وقت علمـای حفظ الصحه دولت مجبور شد که با لوله ها آب صاف را از خارج بشهر و بدست رس اهالی برساند عدد متوفی در سال از وبا و مطبقه و امراضی که آب ناقل سم آنها میشود از صد نفر بدو نفـر رسید آب رود خانه بزرك را توان صاف نمـود و با اطمینان نوشید چنانکه بهمین قسم در لندن از رود نهر تیمس اغلب نقـاط شهری بدان عظمت را مشروب میسازند یعنی اول از اصطخر های متعـدد شن وریك می گذرانند که خوب صاف شود بعد از غربال فلزی مس که در هر کرهی شصت و

دو هزار و پانصد سوراخ دارد می گذرانند سپس با لوله ها بدستیاری طلمبه ها یااگر منبع بلند تر است فقط با فشار و میل طبیعی بتمام طبقات خانهای شهر آب گوارا و بیخطر میرسانند که هر حمام عمومی و خصوصی و هر آشپز خانه و خوابگاه و مستراح از ان با شیر مستغنی میشوند و در عرض سال هر خانواده درسال ازنه الی سیزده لیره پول آب ادامی کنند ولی این وجه در مقابل استراحت و اطمینان و سلامت فی الحقیقه لایق ذکر نیست

گر خارجان بکاهد کل عذر آن بخواهد   سهل است تلخی می درجاب ذوق مسق

اول قدم در حفظ صحت پای تخت ما همین نکته است تا وزارت صحیه ما اقدام باین امر خطیر نکنند و دولت و ملت را مجبور نکنند که این کار عمده را از قوه بفعل آورند امور صحیه و تدابیر در بهبودی کردن حال مردم غیر ممکن است این مسائل باشستن سیخ کباب درست نمی شود سیخ کباب بمجرد اینکه روی آتش رفت هر کثافات ومیکروبی که بر آن باشد بیخطر می‌شود گرچه آتش همه‌چیز را پاك می کند برای اینکه خانهای طهران ر بالوله‌ها از آب صاف وبیخطر مستغنی کنند بر آورد کرده‌اند هجده کرور مخارج لازم دارد این حیبی‌مشکل است اما محال‌نیست وبحساب سرشماری هر نفری تقریبا بیست تومان میشود ویك کمپانی میتوانداین را باسانی اداره کندوتدریجا پول را از مردم بگیرند خاصه از اغنیای که مبالغی هنگفت صرف اصطخرها وحوضهای بزرك میسازند که محل نشو و نمای ملیونها پشه و مکسند چه خوب بود اصطخر ها و حوضها و آب انبار ها و چاههای سر باز ما تماما بسته و خالی می ماندند و فقط یك لوله آب صاف بیخطر بمنازل ما میرسید در بادکوبه که آبهایش همه شور و نفتی هستند بلدیه با مخارج زیادی آب دریا را صاف میکرد و برجی در شهر قرار داد و چند شیر درآنجا نصب کرد که اهالی آب مقطر بخورند می دیدم بومیهای ایرانی نژاد که آب مقطر بمذاقشان ناگواربود آن آب پاك بیخطررا

ترك كرده و از همان آب چاههای متعفن و شور میخوردند ولی سپس چون همت رجال بر قلع حیال هم قادر است بدستیاری یك مهندس انگلیسی آب گوارائی رااز امکنه بعیده بشهر آوردند و چندین کرور مخارج کردند ولی مخارج گزاف در مقابل حفظ نفوس ثمن بخسی است جهادی چند دادم جان خریدم بنا میزد عجب ارزان خریدم بالاخره خواهیم فهمید باهمه گرانیش آب بیخطر ارزان تر تمام میشود بسا آب حوضها و آب آب انبار ها را می بینیم که صاف و خنك هستند وعلی الظاهر بر آنها «جرماء طهورا» حکمی نتوان کرد لیکن وقتی اندکی گرم کنیم می بینیم بوی بدی آن استشمام میشود ولایق دور ریختن است بلکه می گوئیم آب کثیف و بدبو آب قناتی که در عرض راه با مبادلها تصادف کند وکثافات عفنه و میکروبهای موذیه را حامل باشد حتی برای آب پاشی کوچه هاهم لیاقت ندارند هر چند آب صاف نشده از اصطخر ریکی نگذشته در صورتی که بیخطر باشد برای آب پاشی کوچـه ها و شستن مبالها وغیره توان استعمال کرد دیگر در باب کثافات حوضها و آب انبار های ما چه بگوئیم لجن وگل ولای متعفن ته نشینی های سیاه وماهها متراکم شده در ته آب انبار های ما جمع میشوند و در ایام عید نوروز که مردم نصیحت اهل چین را بکار میبرند که میگویند اگر هر کس در خانهٔ خود راپاك نگاهدارد تمام شهر پاك خواهد بود اینها با این آبهای متعفن اطراف در وکوچهٔ خود را آب پاشی میکنند وکثافات غلیظ را دم در بمیان جوی ریخته بعد نوبهٔ آب هفتگی آن را شسته بخانـهٔ همسایه برده وکثافات همسایه راهم جـرا بخانهٔ همسایهٔ دیگر میرساند وجای هیچ تحیر و تعجب نیست که در مدت قلیلی یك محله بزرگی مبتلا بمطبقه خناق (دیفتریا) اسهال و ذوسنطاریا یا وبا میشوند و جلو گیری مشکل میشود و قدری ازاین کثافات خشکیده راباو بچشم ودهان وحلق وبینی مامیزنند آیاتعجب کنیم چون در هر بهار رمدوورم چشم اورام دهان وگوش درد باجراحت وگرم عفونت می بینیم؟ خاصه در اطفال کوچك

که تازه چهار دست وپا حرت می‌کنند ودستهاشان خواهی نخواهی با این گردوغبار آلوده میشود بعد بدهان میبرند واطفال بزرگتر که به خاکبازی در دم در مشغول میشوندشاید اگر نمونه عوام‌فهمی را بعرض خوانندگان برسانیم ملتفت وقانع شوند که چه کونه ممکن است خاك و گرد خشك موجب امراض شوند یاخوردن خیار کل آلود از فلان بستان وبا خوردن توتی‌که بچه‌ها از روی خاك‌کثیف برداشته کچل در کلاهشان جمع کرده بعد بطبق فروش‌میفروشد وما میخوریم‌ودست‌فلان عمله‌یافلان طفل در حال خشکی‌وچکه موجب‌بقای‌مرض‌شود می کوئیم‌در حال خشگی ودرخارج از آب وخارج از بدن این میکروبها وتخمهای این کرمهـا حتی سل ونزله وزکام وانفلونزا وبا و نوسنطاریا وغیره بی‌اثرند ولی حیات وتجدید حیات اینها بسته بوجود آب است برای بعضی ما آب چشم کوش لعاب بینی ودهان کافی است که اینها را ترو تازه کند وقوت بخشد وبعمل وفعل وادارد هر گاه از فلان دلاك که اباً بعن جد پیشهٔ آبله کوبی را آموخته است بپرسی بشما خواهد گفت که همان خشکهٔ آبله که در جای آبلهٔ حقیقی بر بدن طفل خشکیده بود واو برداشته در کـوشهٔ محفره دلاکی خود انداخته بود ماهها بل یکسال ودو سال در آن جعبه‌در حـال خشکی مانده بود با وجود حرارت شدید تابشتان تهران یا سرماهای شدید زمستان امروز ایام باز بازوی طفلی‌راحاضرکرده‌و بقدره از این خشکه را با جزئی آب نرم حل کرده بجای خراشیده بر بازوی طفل میزند ر طفل تب کرده در چند نقطه آبله حقیقی ار بدنش بروز می کند پس قدرت بقای حیات میکروب را و قدرت بر مبتلا کردن دیکران را تصور میتوانید بکنید

دیگر در باره کثافات شهر پایتخت ما چه بگوئیم چون اغلب شهـر ها لقب دارند مثل بلده طلیبهٔ همدان دار المؤمنین کاشان خوب بود پای تخت را نیز مبـال المومنین تهران می نامیدند و آنرا باین لقب سر افراز میساختند مردم در کوچه ها

و کنار جویها بدون ادب و حیا می نشینند و با ادرار سوزاکی ویامثانه‌های سلول و مدفوعات دارای انواع تخم های کرم ها و سل امعا اطراف را متعفن و خراب میکنند مخصوصا اگر جوی اب دارد و طهارت لازم است چه اجر جمیل و ثوابی از این طهارت باید حاصل شود که جمعی از نفوس محترم را بخطر میاندازند و آب در پایین تر یا مشروب میشود یا بآب انبار مردم بیچاره میریزد و یا فلان زن ظروف خوراکی را با آن آب‌میشویددر حالی که این آبها بالکلیه قابل تنفزند و این مردمان بی اطلاع وساده را وقتی توان ملامت نمود که بلدیه ما مانند سایر بلاد متمدنه در نقاط مختلفه معابر شهر مبالها ترتیب‌بدهد سفر آخر در لندن دیدم در فکر تهیه بودند که مواقعی که برای براق (آب‌دهان) و بلغم سینه و آب بینی تهیه کنند

شاید خواهی گفت بالتعجب چگونه ما زنده ایم بلی جای تعجب هم هست اگر دو چیز در ایران نمی بود با وجود بی علمی اهالی و بی اطلاعی و بی اعتنائی بحفظ صحت میبایستی همه مرده باشیم اولا از طفولیت ضعفای ما مثل برك خزان می ریزند و میمیرند و دیگران که حتی در رحم و شکم مادر شروع بابتلای بامراض و ناخوشیهای مختلفه می کنند و جنك با میکروبها را فی الواقع قبل از تولد شروع می کنند از قبیل آبله سرخك مخملك سفلیس سوزاك نوبه و غیره لهذا امیون یابه اصطلاح نزدیکتر بفهم عوام را بیان کنیم از بسکه آبله کوبی میشوند سمهای مختلفه و میکروبهای متنوعه ببدنشان ورود می کند بدن اینها عادت به تهیه انتی تاکسین یا پاد زهر و تریاق طبیعی که در بدن تهیه میشود و بسمها عادت میکنند استعداد زیستن را پیدا کرده جانی بسلامت بدر میبرند سبب دوم حرارت آفتاب ماست و خشکی و کم آبی مملکت کمك بقلع مواد و قتل میکروب ها می کنند هر چند بد بختانه چنانکه ذکر خواهد شد این نوع حرارت ها تمام موادرا

قاتل نمی توانند بشوند اسباب خیلی تعجب است که یك میکروب را معلم درلابراتوار با میزان کردن حرارت و کاشتن آن میکروب را بر مواد غذائی همچو سیب زمینی و آب گوشت و غیره بزحمات بعمل می آورند اگر جزئی خطای در کلیات ترتیبات پرورش آن میکروب بشود زحمت بتولیجیست در میکروب شناسی بهدر رفته و بمقصود نمیرسد چگونه در این آب و هوا در خارج بدن سعی و تلاش از طرف کسی بقا پیدا کرده پرورش می یابند و زیاد میشوند و حاضرند که از هر رخنهٔ بدن داخل بدن شوند و بمجرد ورود ببدن انسانی با مشروب و ماکول و یا از راه ترك و جراحت در جلد این همه زحمات ومرض و اوضاع وبالاخره مرك را فراهم کنند در لندن چاپ جدید دایرةالمعارف انکلیس تازه از طبع در آمده بود برای تعریف « حیات » خواستم به بینم اعل علم چه میکویند و مقصود از « حیات » یعنی چه دیدم نوشته است حیات یعنی قتال با میکروب ها و بالاخره غلهٔ میکروب ها بر امزجه در مسئله حیات مجاری کمان میکنم این تعریف صحی‌است

نکات عمده در پاکی آب رنك وبوی آب است آب زرد و سبز رنك را حکماً باید رد نمود آب تیره و کدر را نیز و از آبی که مقداری در ظرف پاك ریختی و جوشانیدی که تمامش بخار شده بواسطه تبخیر متصاعد شده و رفت و ظرف خشکید اگر به بینید که در ته ظرف مواد خشکیده زیاد بماند آن آب را هم باید رد کرد فقط صافی آب دلیل بر سالمی آب نیست مکرر واردین جدید بفلان محله تهران وارد شده اند قدری از آب صاف و خنك آب انبار آن محله را نوشیدند بعد ازیکی دو روز مبتلا باسهال میشوند چونکه مثل متوطنین آن محله عادت باب کثیف و سم دار نکرده بودند حال که خوردند مسموم شدند یکی از اولین علامات آب بد بروز اسهال در شاربین است

بقیه دارد

آب شاه در تهران محققا یکی از گوارا ترین و بهترین آبهای دنیا است ومردم از جاهای دور دست شهر میفرستند و از آب شاه میبرند و سقا ها در بازار ها آب شاه میگویند و خلق را بدفع عطش دعوت مینماید در صورتیکه آب شاه از منبع الی مصب مصون و محفوظ میبودی خوشبختی اهالی میبود اما لسؤالحظ می بینیم (آنچه را که در شهر دقت کرده ام بیرون شهر را ندیده ام) در بعضی جاها رخنه و شکاف در قنات شاه زده که با هر ظرفی حتی با آفتابه های کثیف و آلوده از آن آب بر میدارند بعضی ها مبال را قرب مجرای قنات ساخته اند که در حال تطهیر همان آفتابه که تهش در کنار مبال بکثافات آلوده شده بود بمجرای قنات بزنند و آب بردارند

دستور پرستاری وتوجهات اطفال

راستگوئی

فاطمه خانم - دیروز رفتم که قدری شیرینی از توی جعبه بردارم دیدم که قریب باتمام بود وخاطر جمع بودم که غیر از پسر هشت ساله من کسی دیگر بان جعبه دست نمیزند - اما وقتیکه از او پرسیدم منکر شد از انکه او خورده است در صورتیکه من یقین دارم که بمن دروغ گفت - حالا میتوانی بمن بگوئی که چه می توانم بکنم ؟ - ایا میتوانید در اینخصوص راهی پیش پای من بگذازید ؟

معصومه خانم - اغلب بچه ها از ترسشان دروغ میگویند - مثلا پسر کوچك شما شاید از ترس تنبیه وکتك حاشا کرد - آیا او را تنبیه کردید ؟

فاطمه خانم - بله من او را تنبیه کردم چونکه یقین داشتم که او بمن دروغ میگوید

معصومه خانم ـ اگر شما خاطر جمع بودید که شیرینیها را او بر داشته آنوقت آیا بهتر نبود که با او بطور ملایمت صحبت میکردید ـ مثلا باو میگفتید ـ عزیزم مظنه خیلی گرسنه بودید که نانهای شیرینی را که مادرت در جعبه گذاشته بود بر داشته و خوردی ـ البته اگر گرسنه بودی ـ لازم بود که چندی بخوری ولی من این نانها را برای چائی امروز عصر گذاشته بودم و تو مرا بزحمت بزرك انداختی که باید دو مرتبه تهیه کنم ـ حالا گذشته است ولی بعدازاین اول از مادرت اجازه میگیری وبعد چیزی‌را بر میداری آیا این‌طور بهتر نیست؟ این البته بهتر است ومن از این ببعد همینطور رفتار خواهم کرد طولی نخواهد کشید که با این طرز سلوك و صحبت شما پسرتان حس خواهد کرد که لزوم ندارد که از ترس دروغ بگوید لازم است که شما برای اینگونه اقدامات تحمل داشته وسلیقه بخرج بدهید تا طفل بشما وبر قول شما اعتماد کامل داشته باشد آیا این یك کار خیلی بزرگی‌است

فاطمه خانم ـ بله صحیح است ولی افسوس‌که پسر من اغلب دروغگوئیهایش از ترس نیست ـ مثلاً وقتیکه من وپسرم در درخانهٔ همشیره مهمان بودیم شنیدم که پسر من به پسر خاله‌اش میگفت که در خانهٔ ما حوضی‌است بقدری بزرك که سه همچه عمارتی در آن کم میشود . آخر چرا باید او همچه چیزی بگوید ؟

معصومه خانم ـ آیا شما گفتگوی آنها را از اول میشنیدید قبل‌از آنکه این صحبت را پسر شما بکند ؟

فاطمه خانم ـ بله من کمان میکنم که اول پسر خاله باو گفته بود که حوض حیاط آنها بقدری بزرك بود که هر گاه یك خانه را با تمام اسباب آن بلند کرده ودر آن حوض بگذارند ـ ابداً معلوم نخواهد شد

معصومه خانم ـ پس از این بیانات معلوم‌میشود که پسرهای شما همه‌دروغگو میباشند ـ اطفال مثل والدین خود عادت دارند که لاف بزنند شما پس از شنیدن

این دروغ باو چه گردید ؟

فاطمه خانم ــ من باو هیچ نگفتم چون نمیخواستم درموقعیکه در منزل کسی دیگر مهمان بودیم اورا تنبیه کنم ووقتیکه منزل بر گشتم فراموش شد شما اگر جای من بودید چه میکردید ؟

معصومه خانم ــ من کمان میکنم صبر میکردم تا منزل برسیم وهمینکه از پهلوی حوض‌حیاط خودمان میگذشتیم باو میگفتم پسر جان نگاه کن ببین این که خانهٔ ما چقدر بزرك وبلند است ــ خوب میپرسم اگر من این خانه را برفرض بلند کنم ودر این حوض کوچك بگذارم جا خواهد گرفت ــ من شنیدم که امروز عصر به پسر خالهٔ خودتان میگفتید که‌مه همچه خانه در آن جا میگیرد ــ آنوقت باوصحبت میکردم که باید چقدر مواظب باشد که حکایت وصحبتی هرکز نکند مگر آنکه بتواند ثابت کند که صحیح وراست است

فاطمه خانم ــ اما بچه‌ها غالباً قصه‌هائیراکه‌صحت ندارد برای یکدیگر نقل میکنند آیا این عیبی دارد ؟

معصومه خانم ــ البته بچه‌ها کلیه ومطلقا قادر وقابل برآنند که از پیش خود چیزی ساخته وتصور بعضی چیزها نمایند وخفه داشتن اینگونه احساسات خود یك نوع ظلم بزرك است – ولی باید از ابتدا باطفال آموخت فرق بین حقیقت وتصورات را باید قوه فکری آنها که موجب ومولد تصورات‌است تقویت نموده ودر ضمن بانها گوشزد نمائیم که این حکایت غیر حقیقی وتصور است یا بیائید تا باهم ترتیب وقرار ومدار این قصه را بگذاریم یا یك چیزی دیگری را که یك خطی بین هرچه که حقیقی وهر چه که تصوری است کشیده شود

فاطمه خانم ــ التفات شما زیاد ــ امروز در نتیجهٔ این صحبت مرا بفکر بزرگی انداختید ــ آیا ممکن میشود که باز در مواقعیکه از این اشکالات وزحمات

دست دهد خدمت برسم.

معصومه خانم ـ البته منزل خودتان است من خیلی خوشحال میشوم که در صورت امکان هر گاه از دستم بربیاید بشما کمك نمایم ـ اما یك چیز دیگر در موضوع دروغ دارم که بشما بگویم ـ اگر شما انتظار دارید وما بلید که پسرتان راستگو باشد شما باید نسبت باو در تمام کارها وصحبتهایتان راستگو باشید - من شنیدم که بسیاری از مادرها باطفال گفته‌اند مادر دیگر شیرینی ندارم که بشما بدهم ـ هرچه بود خورده شده در صورتیکه همیشه مادر طفل شیرینی در صندوق حاضر دارد ـ یا بعضی دیگران که میگویند اگر آرام نگیری وخوب بچه‌نشوی سك را صدامیکنم تا شما را گاز بگیرد واما اگر برعکس خوب باشید بشما شیرینی ونان قندی میدهم در صورتیکه در خصوص هیچکدام تصمیمی ندارد ووعده نمینماید پدر یا مادریکه خود دروغگو است نباید انتظار طفل راستگوئی داشته باشد

ترجمه سریه افشار

البسهٔ اطفال

البسهٔ اطفال همیشه باید گشاد ونرم باشد تا طفل بتواند باکمال سهولت حرکت ونشو نما کند بهترین فرم برای البسه طفل در قسمتی که برای لباس ذکر میشود کشیده نشده است (در صفحه فلان) لباس زیری طفل بهتر است

در فصل زمستان از فلانل وتابستان از پنبه ویا کتان باشد که برای شستشو هم آسان است

ترجمه سریه افشار

لزوم تنظیف خانه برای فصل پائیز

گرمای تابستان گذشته و گرد و غبار آن که بزودی انشاء الله بواسطه امطار پی در پی خوابیده خواهند شد خاطر یك خانم با ذوقی طبعاً معطوف به تنظیف خانه خود میگردد

تنظیف خانه از لوازمات صحت کسانیست که در آن سکنی دارند و مسرت بصر و اعتبار خانمیست که مؤسسه خانه است تنظیف هفتگی خیلی مطلوب است متاسفانه بچه داری و خانه داری یومیه مانع از اجرای این خیال صحیح میشود ولی تصور نمیکنم که چیزی مقدم بر پاکیزه کردن خانه در دو موقع پائیز و بهار شود

در تنظیف خانه ممکن است یکی از آن دوشق را اختیار کنیم : یا اینکه اشیاء هر اطاق را علیحده بیرون آورده پاك کنیم یا اینکه شروع بتنظیف اثاثیه همه اطاقها به یکمرتبه نمائیم باین ترتیب که کار های مشکل و سنگین را اول انجام داده بعد بسایر خرده کاریها بپردازیم مشق دوم در صورتیکه دسترس بکمك فوق العاده باشد بهتر است چه خالی کردن اطاقهاوعودت دادن اشیاء بجای خود بدون کمك باعث زحمت و اختلال فوق الطاقه خواهد شد دود کشهای بخاری که بایستی حتماً در سال یکمرتبه تمیز شوند اگر در فصل بهار پاك نشده اند در موقع پائیز مراقبت شوند

اکنون قبل از شروع چون تنظیف همه اطاق تقریباً تابع یك رویه واسلوب میباشد دستور یك اطاق را برای هر اطاق میتوان بکار برد : تمام مبل و پرده و تصویر و مفروش را باید از اطاق بیرون برد تا اینکه اطاق خالی شود سپس پوست گوسفندیرا بسر چوبی بسته دیوارها و سقف‌را باید پاك کرد تاتار های عنکبوت معدوم شوند بدیوار هائی که کاغذ چسبانده پارچهٔ نرمی را با ضربتهای یك نواخت وفشار کم بمالید از فشار زیاد گل و بوته و رنك دیوار را خواهد سائیده اگر زمین گل و گچ است قدری آب بپاشند که گرد و غبار زیادنشود (یك طریق بازداشتن

خاك از داخل شدن درقالی اینست که کاغذ های روزنامه خیلی ضخیمی روی زمین اطاق با آرد و آب جوشانده بچسبانند) اگر کف اطاق جامد است (ممزوجی که برای راههای آب بکار میبرند) البته بایستی شسته شود قابهای در و پنجره ها را با پارچهٔ که در آب سرد) زده شده است پاك كنيد بدون استعمال صابون چون صابون و آب داغ رنك و روغن را ضایع خواهد کرد شیشه های پنجره ها را با آب نیمگرم بشوئید اگر صابون بکار برید بهتر خواهد بود چه محتمل است که شیشه های پنجره خط خط شوند چنانچه قدری امنیاك در آب بریزند و شیشه ها را بشویند براقتر خواهند شد با پارچهٔ شسته با دیگری خشك كنيد و با سومی براق کنید اگر روی شیشه ها لکه رنك است با الكل و روغن جلا پاك نمائيد در شستن شیشه ها ملتفت باشید که گوشه و کنار آنها را هم تمیز بشوئید نویسنده اغلب در خانه رفته است که از هر حیث بی نهایت پاکیزه بود مگر پنجره هابش كنه باندازهٔ کثیف بودند که فورا جلب دقت نموده و متحیر بود که چند سال گذشته شسته شده اند

پس از آنکه سقف ، دیوار ها ، زمین و چوبکاریها را شستیم متوجه اشیائیکه از اطاق خارج کردیم بشویم حصیر را آهسته تکان داده و چنانچه مایل باشند پارچه به آب گرم نم زده روی آن بمالند قالیچه های کوچك را تکان داده در حالتیکه طرفی را که تا زده اید محکم بگیرید قالیهای بزرگتر را روی طنابی انداخته با چوب پهن بزنید - این طریق بهتر گرد را از قالی بیرون میاورد - چنانچه پس از پاك كردن قالیها پارچه را نم زده روی آنها بمالند گرد و غباری که در روی آنها باقی مانده پاك شده و روشن میشود پس از آنکه حصیر و قالیها را بجای خود عودت دادیم حاضر پاك كردن سایر اثاثیه اطاق خواهیم شد مبلها را با پارچهٔ آهسته می زنیم که گرد آن بیرون بیاید سپس کاملا ماهوت پاك کن بکشید میز و صندلیهای ساده را با پارچه که در نفت نم زده شده پاك كنيد در صورتیکه خیلی محتاج صیقل

باشند یك صیقل سه قسمتی مساوی از روغن جلا و سرکه و روغن بزرك ساخته روغن بزرك را قبلا جوشانده پس از سرد شدن با سرکه و روغن جلا مخلوط کنند بعد با پارچه روی آنها بمالند شیشه های روی تصویر ها را شسته و قابهایش را با پارچه پاك کنند تمام اسبابهای تاغچه و آنتیك را که میتوان شست بشوئید و بجای خود بگذارید

پس از آنکه کار های ما باتمام رسید با پرد های تازه و پاکیزه که آویخته ایم و گلدان گلی روی تاغچه این اطاق ما را گر چه خیلی خسته شده ایم دعوت میکنند که در آن نشسته و از استشمام پاکی که محبوب هر خانه دار است و قشنگی ترتیب آن که هوای راحتی را تولید مینماید محظوظ شویم

میسز بویس ترجمه م . م . محمودی

طرز لباس

نظر بر آنکه امروزه طالبین ترقی نسوان رو بازدیاد گذاشته و میخواهند نواقصی را که در اطوار و اخلاق و آداب آنان است مرتفع سازند گمان دارم موضوع ذیل که از روز نامه آمریك بتاریخ پنجم می ترجمه شده مورد توجه بسی خانمها خواهد شد بدیهی است که موفقیت انسان در امور مهمه فقط موقوف بداشتن هوش و ذکاوت و فهم و درایت نیست بلکه صحت و قوه هم لازم است که ما را کارکران قابل سازد »

کسانیکه تا یکدرجه تساوی عقل و ذکاوت نسوان را با مردان بدرجه ثبوت رسانیده و میخواهند در تصدی امور زندکانی و کار هم تا حدی که ممکن است با آنها شرکت کنند البته بدون داشتن صحت مزاج و بنیه قوی غیر ممکن خواهد بود و آن نیز موقوف برعایت قوانین متعدده حفظ الصحه است که هریك در مقام خود حتم و فرض است یکی از آنها که برای ما طایفه نسوان رعایتش اهمیتی به کمال دارد دقت در طرز لباس و کفش و غیره است که مطابق قواعد صحی باشد و الا عدم آن در انحراف مزاج از صحت مدخلیتی تام دارد

مثلاً کفش های پاشنه بلندی که امروزه در طهران بسیار معمول است ومردم از ضرر های آن بکلی بی خبرند در سال عده زیادی را دچار امراض رحمی ودرد سر و غیره مینماید که رفته رفته باعث تحلیل قوا و ضعف میشود سابق بر این در امریکا هم مانند طهران کفش های پاشنه بلند و پنجه باریك معمول بود پس از چندی که اطبا بتجارب متعدده ثابت نمودند که این کفش ها علاوه بر آنکه تمام فشار بدن را به پنجه ها وارد آورده و غالباً باعث پیچیدکی مفصل میکردد و صحت بدن را نیز منحرف ساخته مایهٔ درد سر و غیره هم میشود .

چون این مسئله روز بروز بر ضعف نسوان افزوده و مانع از آن بوده که

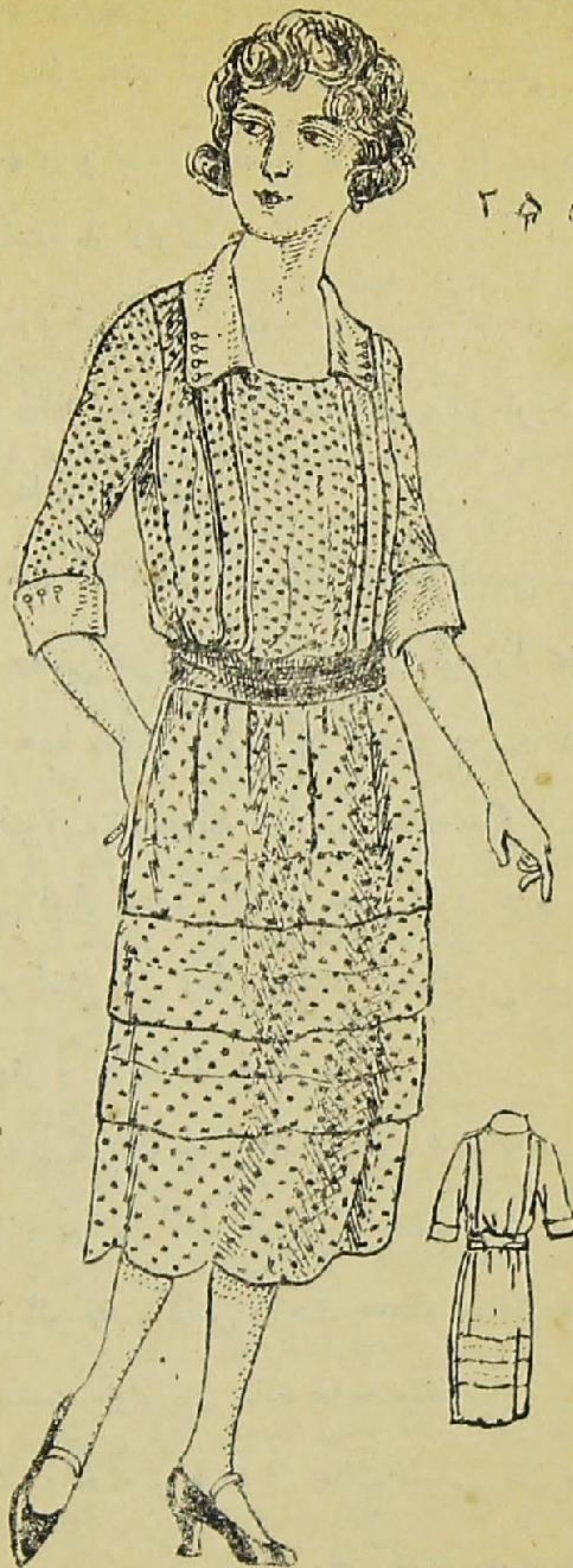
آنان را کارگران قابل سازد عده از خانمهای انجمن مسیحی مصمم شده که بتوسط تیاتر ها و نمایشات نطقهای و بیانات فصیح ضرر آن را بمردم فهمانده و ایشان را از استعمال این قبیل کفشها باز دارند

برای آنکه عاقبت وخیم آن را بهتر مجسم سازند در یکی از نمایشات عده از نظامیان کاری کفشهای زنانه پاشنه بلند پوشیده مشغول زدوخورد گردیدند طولی نکشید که طرفین منکوب شده عاجز ماندند

بعد از این اقدامات کفاشهای شهر شوریده با انجمن مزبور بنای ضدیت را گذاشتند ولی ایشان با جدیتی هر چه تمام تر خیال خود را تعقیب نموده بالاخره آنها مجبور شدند که کفش ها مطابق دستور آن انجمن درست کرده بتوسط دلال ها بشهر ها و دهات اطراف فرستند چنانکه همان روزنامه حاکی است که هرکس یك جفت از آنها خریده و راحتی فوق العاده آن را حس نمود عزم خود را جزم کرد که من بعد بغیر از آن فرم کفش فرم دیگر نپوشند چنانکه می بینم امروزه کفشهای مد امریکا از هر کفشی بهتر و راحت تر است .

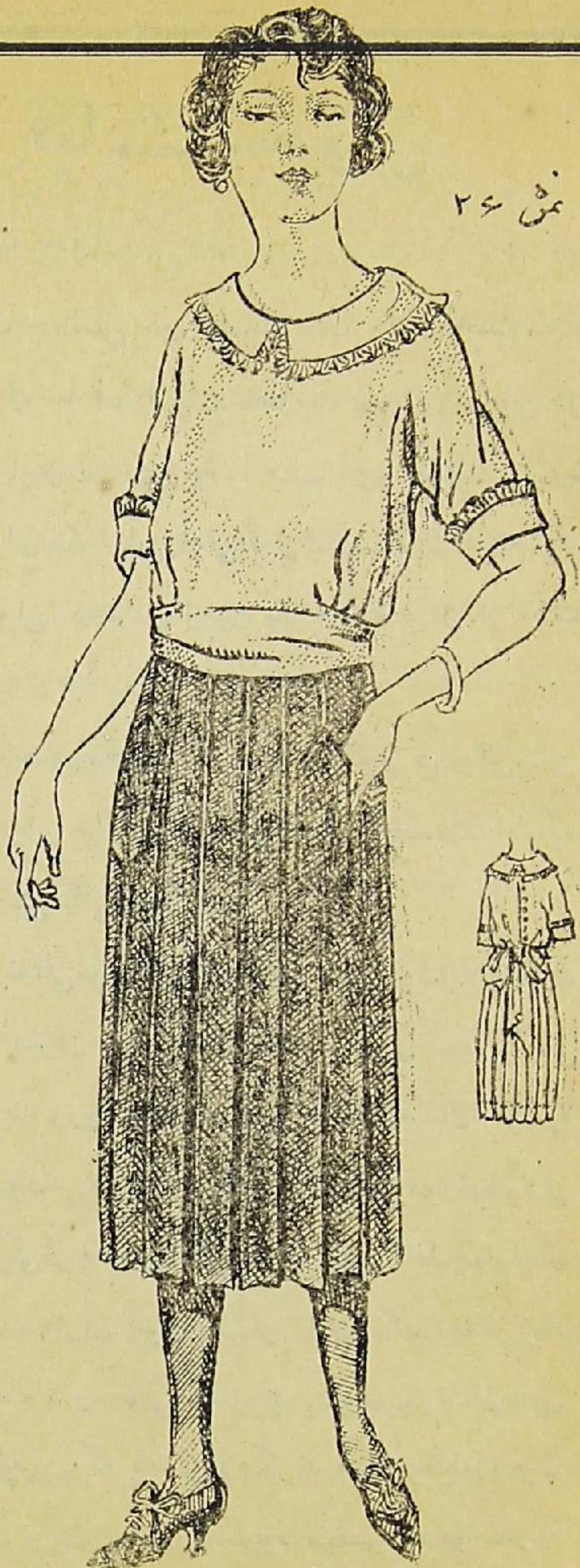
فعلاً ما آرزومندیم که یك چنین اقدام خیر خواهانه هم درطهران شده اسباب آسایش ما را فراهم سازد چه هر کدام از ما که محتاج کفش شویم اگر تمام دکانهای کفاشی را گردش کنیم یك جفت کفش راحت که مطابق قواعد صحی باشد پیدا نخواهیم کرد مجبوراً بدست خود پول داده صدمه میخریم

برای آنکه کفش راحت و پا را از حالت طبیعی خارج ننماید لازم است که کف آن تقریباً مسطح و بدون پست و بلندیهای کج و معوج باشد و پنجه آن باید پهن و جا دار بوده که انگشت پا را فشار ندهد پاشنه آن پهن و کوتاه باشد که در وقت راه رفتن پا نلغزده باعث پیچیدگی مفصل شود پوطین باید ساقه آن نرم و کوتاه باشد که مانع از جریان خون و حرکت عضلات نگردد



مد تازه

۲۵ ـ نظر بر آنکه تابستان و دوره تعطیل بانتهـا رسیده و زمان کار و تحصیل مجدداً شـروع میشود و هر دختری بخیال است که لباس سـاده و راحتی برای دوره مدرسـه ترتیب دهد این است که عالم نسوان نمونه مناسبی در تحت نمره ۲۵ بجهت آنان طرح نموده که درموقع لزوم بکار برند



٢٦ - این لباس از دو پارچه مختلف الجنس مرکب شده دامنش فاستونی و دارای چین های دو رویه است که از بالا به پائین به یك اندازه وترتیب میباشند پیراهنش ابریشمی نازك و برش ان از هر حیث مانند پیراهن نمرهٔ ٢١ میباشد

اخبار ترقیات نسوان

معارف نسوان ژاپون

از جملهٔ تاثیرات مهمی که جنك بین‌المللی در حیات ملت ژاپون بخشیده همانا توسعهٔ معارف آن مملکت عموماً وترقی معارف نسوان خصوصاً می باشد در این دو سال اخیر برعدهٔ شاگردان مدارس ژاپون صدی نودو هشت افزوده شده ودورهٔ تحصیلات دختراردوسال زیادترشده برای اینکه ازاین ترقی فوق‌العاده درست مطلع شویم لازم است که دورهٔ تحصیلات کنونی دختران ژاپون را بادورهٔ قبل از جنك مقایسه نمائیم .

اولاً مدارس ابتدائیه که برای اناث وذکور تاسیس شده بود دوره‌اش شش سال وعدهٔ محصلین ومحصلات تقریباً برابر بود در این صورت دورهٔ تحصیلات ابتدائیه یک دختر ژاپونی بهیچوجه از برادرانش کمی نمیکرد .

پس از اتمام دورهٔ تحصیلات ابتدائی موقع تفرقه مابین دختران وپسران وتفاوت میان دورهٔ تحصیلات آنان میرسید . پسران بمدرسهٔ متوسطه ودختران بمدرسهٔ عالی که بزبان ژاپونی آنرا (کته گو) میگویند ورود میکردند ودر ظرف سه سال خود را برای اونیورسیته (دارالعلم) حاضر مینمودند هر گاه جوانان طالب این دورهٔ طولانی نبودند پس از اتمام دورهٔ متوسطه به یکی‌از مدارس عالی داخل شده آنجا چهار سال مشغول تحصیل بودند . دورهٔ تحصیلات دختران بسیار پست‌تر میبود آنها بعد از تمام کردن دورهٔ ابتدائی ودورهٔ چهارپنج ساله مدرسهٔ‌عالی صدی نودو نه بغیرازتشکیل‌دادن خانواده از آنها انتظاری نمیرفت یگانه‌تکلیفی‌را که بایدکردن بکیرند همان وظیفه‌زوجیت ومادری بود تاسیسات عالی که برای تربیت نسوان شده‌بود منحصر به دو مدرسهٔ عالی دولتی وچند باب مدرسهٔ خصوصی بود بدبختانه میان بیست هزار نفر فارغ

التحصیلی‌های مدارس دخترانه شاید یکنفر فرصت استفـاده از این مدارس را داشت بنا بر این در مملکت ژاپون یك تاسیس که بتوان آنرا دارالفنون دخترانه نامید یافت نمیشد دورهٔ مدرسهٔ عالی دخترانه از مدرسهٔ پسرانه پست‌تر بود وتحصیل دختران در اینجا ختمه مییافت . در ژاپون اکثریت باکسانی بود که از عدم تساوی معارف‌دختران وپسران کاملاً راضی بودند ودر بسیاری از نقاط مدرسهٔ را که دوره‌اش چهـار سال طول میکشید بر دورهٔ پنج ساله ترجیح میدادند چـون غرض از مدرسه رفتن برای دختران اخذ دیپلم بود نه کسب معلومات.دیپلم مدرسهٔ عالی باوجودیکه دلیل بر توسعهٔ فکر وداشتن معلومـات کافی نبود جز وجهیزیهٔ یك دختر محسوب میشد . داشتن معلومات برای یك دختر ژاپونی چندان مفیدنبود و در بازار از دواج بر قدر وقیمت او نمیافزود . مردان ژاپونی زنانرارفیق و هم فکر خود نمیدانستند وفقط چیزیکه از آنان متوقع بودند این بود که آنها لوازم آسایش شوهران خودرا فراهم نموده مادر برای اطفال آنها باشند. یکی ازنویسندکان‌ژاپون میگوید : «زنان تعلیم میابند که مطیع‌شوهران و پسران خود باشند ، بعبارهٔ اخری آنها را آداب کنیزی میاموزند . زنان ازهیچ گونه فدا کاری برای‌شوهران خود مضایقه نمیکنند در صورتیکه مردان ازرفتار مستبدانه نسبت بهٔزنان‌خوشنودند»

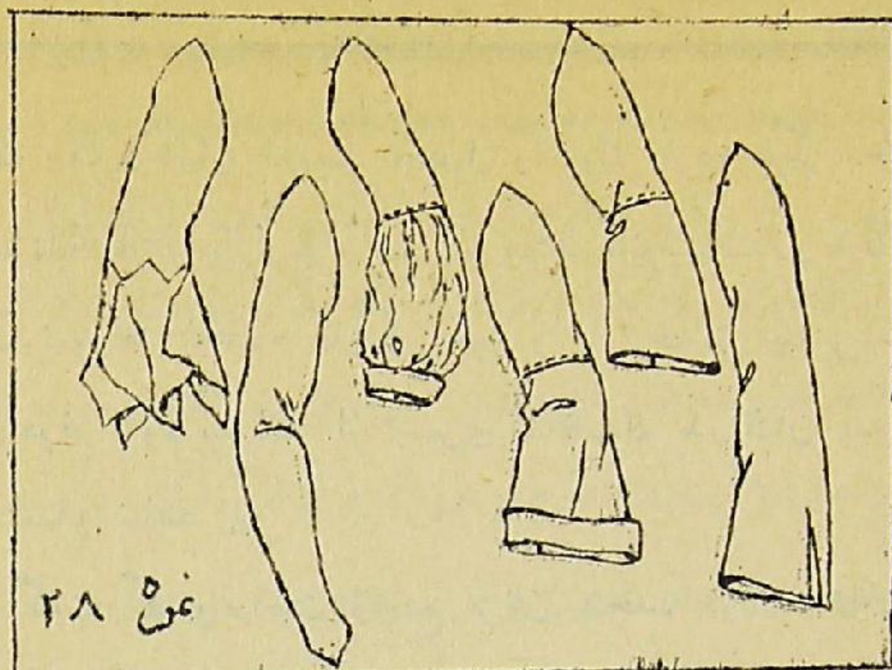
امروز در یك دنیای جذید زندکانی میکنیم و علایمی در دست داریم که از این بعبد زنان ژاپون حرکات مستبدانه شوهران و برادران خود را مثل سابق با فروتنی متحمل نمیشوند عدم نا راحتی قلب و اشتیاق به استفاده از لذایذ حیاتی روز بروز در نسوان اهمیتش زیاد تر میشود . ترقی صنعت و روابط تجارتی ژاپـون با سایر ملل دامنهٔ شغل و هنر را باندازه بسط‌داده که نسوان در بسیاری از کار های مردانه دخالت پیدا کرده اند . البته این قبیل کـار ها مستلزم معلومات عالی تری است . برای نیل باین مقصود مدارسی تاسیس شد کـه دو سال بر دورهٔ تحصیلات



نمره ۲۷

۲۷ - این قبیل البسه بجهت اطفال بسیار مناست است چه بقدر کفایت گشاد و طفل می تواند باسانی بدن خود را حرکت داده ورزش طبیعی انجام گیرد

برش این پیراهن یك پارچه و تکمه آن از پشت یا سر شانه می باشد ولی برای آنکه در موقع ادرار کردن طفل مجبور بدر آوردن لباس نشود خشتك آن را نیز تکمه گذاشته که درموقع لزوم باز و بسته شود



۲۸ - چون این مختصر مجله گنجایش آن ندارد که زور نالهای مختلف الفرم متعدده طرح نمائیم صلاح در آن دیده که در هر نمره که ممکن باشد یکی از اجزاء لباس را باقسام مختلف در تحت یك نمره در آوریم چنانکه در نمره ۲۸ آستین های متعدد طرح نموده که هرکس بر وفق سلیقه خود انتخاب نماید

ف : م : سمیعی

دختران افزود . رفته رفته دختران اهمیت تحصیل را درك نموده دیگر باخذ دیپلم ناقصیکه برای آنها سرمایهٔ بازار مزاوجت شمرده میشد قانع نیستند و نه فقط خود را قابل کسب معیشت نمودند بلکه آزادی خود را با زحمات چندین سال تحصیل خریدار شدند و در موقع لزوم میتوانند از همسری اشخاصیکه پدرانشان بدون رضایت آنها انتخاب میکنند امتناع نمایند .

سال گذشته گفت گو و صحبت راجع بزنان متجدد در تمام مملکت ژاپون انتشار داشت بعضی برله و بسیاری بر علیه «زن جدید» بودند . عدهٔ کثیری از مردان از تجدد و ترقی نسوان مضطرب و هراسان شدند و یك بحران حقیقی قوانین استبدادی و و وضعیت خانوادگی آنها را تهدید مینمود . این مسئله واضح بود که زن جدید کور کورانه زیر بار اطاعت مالك و مولای خود نخواهد رفت . حتی بعضی از مردان تربیت شد متحیر بودند که در خانوادهٔ که زن فرمان شوهرش را قانون قطعی نداند چه گونه موافقت حاصل خواهد شد

با وجود ترسها و ضدیتهای جنس مخالف که سیادت خود را در مخاطره می بیند قیام زنان برای اخذ حقوق طبیعی خود پیشرفت کرده و ترقیات آنها روزافزون است حتی وزارت معارف ژاپون این نکته را دانسته است که مملکت بر حفظ مقام و مرتبهٔ خود در میان ملل عالم قادر نخواهد بود مگر اینکه زنانش قدم اولین را روباصلاح حقیقی بر دارند و خود را قابل شراکت در کار هائیکه سابق منحصر به مردان بود بنمایند . نظامیان نیز این مطلب را درك کرده‌اند برای اینکه در هنگام جنك مقامهای بلا تصدی مردانرا نسوان اشغال نموده و بخوبی از عهده ادای وظیفه خود بر آمدند . با وجود این دلایل کافی برای لزوم تربیت نسوان عجب نیست که دولت دو سال بر دورهٔ تحصیلات آنها افزوده است . بعلاوهٔ دو سه سال اضافهٔ دختران میتواند بعضی از رشته هائیرا که مایل هستندتحصیل نمایند .

مهم تر از ترقی مدارس عالی تصمیمی است که دولت اونیورسیته های دولتی برای قبول دختران در نظر گرفتــه و یك دو اونیوسیته دیگر هم حاضرند که بعضی علوم را بانها تعلیم دهند و ممکن است که سایر دار الفنون ها و اونیورسیته ها نیز به آنها تأسی جویند . چند سال قبل دولت پرگرامی دایر برتوسعه معارف انتشار داد متضمن تاسیس بسی دار الفنون و اونیورسته و ترقی مدارس موجود بوده .

همینکه پرگرام مزبور بموقع اجرا گذارده شد معلوم شد که مقامات مربوطه بهمان نظر قبل از جنك بزنان مینگرند و هیچیك از آن تاسیسات نافع بحال نسوان نمیباشد، بنا بر بیانات فوق پذیرفتن دختران اونیوستیه های دولتی نشان میدهد که در این دو سال اخیر تا چه اندازه عقاید نسبت بتعلیم نسوان تغییر کرده است.

هرچند قبول شدن دختران در اونیورسیته های دولتی برای نسوان پیشرفت مهمی‌است ولی بدبختانه ایشان نمیتوانند از آنها استفاده کامل نمایند از اینجهــة که شرط پذیرفته شدن شاگردان یك امتحان مفصل ورودی‌است که حتی برای جوانان قوی‌البنیه هم خالی از صعوبت نیست. در این صورت معلوم‌است که برای دختران که از حیث تحصیلات مقدماتی از برادوانشان عقب مانده‌اند و نیز در ایام تحصیل مثل آنها از بار سنــگین خانه داری فارغ البال نمیباشــند تا چه اندازه دشوار‌است .

امروز مسئلهٔ که اهم و الزم اموراست تاسیس یك دارالفنون درجهٔ اول است. این تاسیس نه فقط محصلاترا برای قدم زدن در طریقهای مشکل‌زندکانی آماده مینماید بلکه تاثیرات مهم در تمام دورهٔ تحصیلات عالی دختران که امروز در حال تشکیل یافتن‌است، خواهد داشت.

یگانه تاسیس مهمیکه این تقاضا را رفع مینماید دار الفنون امریکائی است که سه سال قبل در (توکیو) پای تخت ژاپون تاسیس شده و دارای یکصد و نود وچهار محصل میباشد.

اعزام قشون

خالده خانم وزیر معارف اناطولی که شرح احوالات اورا در شماره سوم سال اول بنظر قارئین محترم رسانیدیم هزار نفر زن مسلح بفرونت اعزام داشته که در موقع لزوم با مردها معاونت نمایند.



مناظره

خواهر جان هر چه سعی میکنم که بلکه من هم در دنیا یك آدمی بشوم نمی شوم نمیدانم چه خاکی بسرم بریزم در دنیا چه خبر ها بوده و چه خبـر ها است من بد بخت ابدا از آنها خبر نداشته و ندارم از صبح تا شام توی قفس گلی نشسته و هی بخودم ور میروم نه از روزگار گذشته خبری دارم نه از امروز دلم خوش است که منهم آدم هستم دلم خوش است که زندگانی میکنم دلم خوش است که نامم انسان است اما از شما چه پنهان که هیچ چیز نیستم اگر درست گوش بدهی میفهمی که حق بجانب من است یعنی تصدیق خواهی کرد که آدم نفهم در دنیا صد دینار ارزش ندارد اگر چه بعضی اشخاص مثل من خودشانرا با فهم و با شعور قلم میدهند اما من اینطور نیستم من خودم اقرار میکنم از سـر گذشت پریروزم مطلب بدست شما خواهد آمد حالا گوش بده .

خواهری که تو باشی پریروز در قفس گلی یعنـی توی خانه نشسته بودم از تنهائی حوصله ام سر رفته بود نمیدانستم چه کار بکنم یك دفعه دیدم درب خانه باز شد و پری خانم تشریف آوردند منزل ما خیلی خوشحال شدم بعداز سلام علیك و احوالپرسی گفتم چه عجب که یاد فقـرا کردی و این جا تشریف آوردی گفت یك خبر خوبی دارم و آن این است که امروز خوشدل خانم و نلخـه خانم در خانه هدهد خانم با هم مناظره میکنند و جماعتی از خانمها آنجا میروند و من هم آنجامی

رومحالا آمدم بشما بگویم که اگر میل دارید با هم برویم گفتم در آنجا چه میکنند گفت مناظره .

گفتم پس ما چرا برویم ؟ گفت ما میرویم که گوش بدهیم و تماشا بکنیم گفتم خواهر جان حالا که ما میرویم خوب است میانجی بشویم و نگذاریم که مناظره بکنند گفت نه خواهر اولا این مجلس برای مناظره بر قرار شده است ثانیا مناظره میانجی لازم ندارد ثالثا در ساعتی که آنها مناظره میکنند ما ابداً حق صحبت کردن نداریم تا وقتی که اجازه داده شود گفتم خواهر جان حالا که این طور است من میترسم که بیایم گفت از چه میترسی ؟ گفتم میترسم که کار مناظره بالا بگیرد وکار باژان و آژان کشی برسد چه اعتبار دارد شاید آنوقت مارا هم داخل آنها کرفتند گفت چه میگوئی مگر دیوانه شدهٔ مناظره چه ربطی باین حرفها دارد مگر شما از کلمه مناظره چه فهمیدید گمان میکنم که معنی مناظره را نمی فهمی . گفتم خواهر جان بلانسبت شما مگر خرم که نفهمم البته که می فهمم مناظره یعنی منازعه مناظره یعنی دعوا مناظره یعنی با هم جنگیدن. مناظره یعنی همدیگر را کتك زدن یك باره پری خانم زد زیر خنده بنا کرد بقاه قاه خندیدن و گفت نه خواهر جان مناظره اینها که گفتی هیچکدام نیست سئوال کردم پس مناظره چیست ؟ امروز خوشدل خانم و شعلخته خانم با هم چه میکنند ؟ گفت خوشدل خانم صحبت خواهد کرد که ما زنان ایران از زنان قدیم و از زنان امروزه دنیا فرسنگها عقبیم و احتیاج به ترقی داریم و

شلخته خانم صحبت خواهد کرد که ما از زنان دنیا وامانده تر نیستیم واحتیاج به ترقی نداریم حالا فهمیدی ؟ گفتم بله بله خوب فهمیدم و خیلی میل دارم که مجلس را به بینم گفت پاشو چادر کن برویم که دیر میشود من از جا پا شدم که چادر کنم اما خواهر بد ندیده خجالت گیروانکه گیروانکه و عرق شر و شر از من میریخت باری سر شمارا درد نیاورم با هم راه افتاده رفتیم پری خانم از جلو و منهم از دنبال او تا رسیدیم در یك خانهٔ داخل حیاط شدیم دیدم یك زن متوسط القامه سفید رو با موهای مشکی بسن سی یاسی و پنج مارا استقبال کرد و گفت بفرمائید که پنج دقیقه دیگر مجلس شروع میشود پری خانم گفت این هدهد خانم صاحب خانه است ما وارد اطاق بزرگی شدیم دیدم از جمعیت توی اطاق غلغله است ما هم نشستیم بعد از چند دقیقه خانمی کوتاه قد و گندم گون به سن سی ساله و بسیار خوش قیافه که خوشدل خانم باشد بر خواست و مشغول صحبت شد که خلاصه حرفهایش این بود .

بر خانمها پوشیده نیست که ما امروز بعلم و ترقی محتاج هستیم زیرا که حالت کنونی ما نه شباهتی بزنان گذشته دارد و نه بزنان امروزه دنیا ما زنان امروزهٔ ایران همچو گمان میکنم که گریه و ناله و ضعف قلب وترس و نا امیدی و زحمات فوق از تحمل و بد بختی و بی هنری و بی خبری و نادانی نصیب و قسمت ماشده است و چیز های خوب قسمت سایرین است در صورتیکه چنین نیست ما از نادانی خود قسمتهای بد را اختیار کرده و قسمتهای خوب را واگذار بدیگران نموده ایم برای اثبات عرایضم رشادت و فوت قلب سه نفر از زنان گذشته‌را برای نمونه بعرض میرسانم و مختصری هم از ترقی زنان امروزه را گوشزد مینمایم .

اول امیر مسعود چون بتخت سلطنت جلوس کرد حسن وزیر پدرش سلطان محمود را مصلوب کرد و سه ماه این خبر را از مادر او پنهان داشتند بعد از آنکه فهمید ابدا جزع و بیصبری نکرد و گفت پسرم بزرك مردی بود که پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان .

دوم - بعد از فخرالدوله زنی والی ری بود و درکار های ملك رانی از کفایت آن زن ولایتش از آسیب دشمنان محفوظ ماند خواجه حسن کوید وقتی سلطان محمود قصد ری کرد بامن مشورت نمود گفتم رای رای خداونداست و والی آنولایت زنی است سلطان بخندید و گفت اگر آن زن مرد بودی ما را لشکر بسیار بایستی و تا آنزن بود سلطان قصد ری نکرد

سوم - وقتی حجاج عبدالله زبیر را مصلوب کرد خبر او را بمادرش آوردند گفت اگر پسرم غیر از این کرده بود نه پسر زبیر بود و نه نوه ابابکر . وقتی حجاج پرسید که این عجوزه چه میکند گفتار و صبوری وی باز گفتند حجاج گفت سبحان الله اگر عایشه و این خواهر وی هر دو مرد بودند هرگز خلافت به بنی امیه نرسیدی بعد از مدتی دراز که عبدالله را بر دار گذاشتند حجاج گفت باید حیلتی کرد تا مادر او را بدان جانب برند چند نفر از زنان او را بحیله از آنطرف بردند وقتی نگاهش بدار افتاد فهمید پسرش عبدالله است که همچنان بر دار است روی بزنی کرد از شریفترین زبان و گفت گاه آن نیامد که این سوار را از این اسب فرود آورند و دیگر هیچ نگفت این خبر به حجاج دادند بسیار تعجب نمود

(تاریخ بیهقی صفحه صد و هفتاد وشش تا صد و نود)

این بود نمونهٔ از زنان گذشته و اما ترقی زنان امروزه دنیا لازم به بیان من نیست البته شما خوانده و شنیده اید که در مملکت عثمانی زن بمقام وزارت رسیده است و در اروپا و امریکا زنان بمقام وکالت رسیده اند زنان مدیر ادارات می‌شوند زنان معلمه می شوند زنان منشی می شوند زنان تجارت میکنید زنان هر شغل و کسبی را مانند مردان اداره میکنند و بخوبی از عهده بر میایند .

پس چرا ما اینقدر عقب افتادیم برای اینکه ترقی نکرده ایم امروز زیادتر از هر چیز ما به ترقی محتاج هستیم .

خوشدل خانم نشست زنی لاغر اندام با لب های فرو رفته و دماغ بلند و چشمهای گود و گونه های سیاه که شلخته خانم باشد برخواست در حالتیکه دستك های چارقدش یکی مهازی کنده زانو و دیگری مهاذی شکمش بود و خطاب باهل مجلس کرد و گفت آنچه را که خوشدل خانم گفت شنیدید اما همه را باور نکنید و گوش بمن بدهید اولاً حکیم جعفر بغدادی میفرماید الخبر فی التواریخ یحتمل الصقد و الکذب‌چون عربی نمیدانید ناچارم که ترجمه کنم یعنی خبر تاریخ را قبول نکنید چونکه ممکن است مورخ بان اشخاص نسبتی داشته و این حرفها را در‌تعریف آنها نوشته باشد .

و اما در خصوص زنان امروزه اینکه فرمودند زنان وکیل یا وزیر شده اند این هم بکلی دروغ است مگر مرد ها دور از جان مرده اند که زنها را وکیل یا وزیر بکنند آخر عقل چیز شریفی است مگر ما دیوانه هستیم که این حرفها را باور بکنیم و اما اینکه فرمودند زنان اروپا مدیر ادارات می شوند تجارت وکاسبی می کنند این درست است ولی زنان ایران هم این کار هارا می کنند و از آن ها وامانده‌تر نیستند درست گوش بدهید تا یکی یکی برای شما ثابت بکنم مثلاً زن استاد حمام زنانه مدیر حمام زنانه نیست ؟ و سکینه سلطان جامه دار معاون او نیست ؟ و دلاك های زنانه کاسبی نمیکنند اینك این حالا آمدیم سر تجارت خانم کربلائی

دلال که هر روزه در خانه هـا میرود و دستمال . جوراب . شـانه . سنك پا . کیسه حمام ، سفیداب . صابون فرنکی . و توری چارقـدی . و غیره غیره میبرد و میفروشد آیا کاسب و تاجر نیست ؟ آخر یك جو انصاف آن زنهای غربیل بند که هر روز در خانه ها میایند و با صدای بلند میکویند « خانمها کوجه داریم سنجد داریم وسمه داریم آلوچه داریم توت داریم گردو داریم کشمش داریم اسپندداریم میخواهید یا نه » آیا آنها زن نیستند ؟ کاسبی نمیکنند ؟

گذشته از اینکه بعضیهاشان علم هم دارند و فال میکیرند و دعای سفید بختی هم میدهند پس از این جهت ما احتیاج به ترقی نداریم بقـدر خودمان همه چیز داریم تا این جا کلام او تمام شده نشست .

بعد از حضار مجلس تصدیق خواستند هرکس چیزی کفت تا نوبت بمن رسید از من پرسیدند تو چه می کوئی کفتم من یك قوم خویش نزدیکی در تجریش دارم یعنی زن برادر دختر خاله مادرم است ده پانزده روز پیش از این خواستم یك شب بروم تجریش دیدن آنها هر چند بی ادبی است باید به بخشید الاغ کرایه کردم و با یك زحمتی سوارش شدم نزدیکهای دروازه ناکهان الاغ خورد زمین من هم فوراً افتادم دستها و پاهایم توی چادر پیچیده شد هر چـه سعی کردم که بلنـد شوم نتوانستم مثل خرسی که توی جوالش بیندازند آخر پسرهٔ صاحب الاغ رسیده و بازوی مرا کرفته من هم زور زدم که بلنـد بشوم چـادر نازنیم چری پاره شد مقصود این است که من با این دست و پا نه وزیر میتوانم بشوم نه وکیل اگر زنهای اروپا هم اینطور تجریش بروند من باور نمی کنم کـه بتوانند وکالت یا کار دیگر بکنند مجلس ختم شد .

دلشاد خانم چنکیزی

اعلان

عالم نسوان با نهایت احترام خاطر آقایان معظم و خواتین محترمه را باین نکته جلب مینماید که نمرات سال دویم مجله فقط به مشترکینی که وجه آبونمان سال دویم آنها باداره رسیده فرستاده خواهد شد امیدوار چنانیم که تمام دوستان معارف پرور بدون فوت وقت نه فقط آبونمان خودرا تجدید فرمایند بلکه از میان آشنایان خود مشترکین جدیدی برای ادارهٔ ما تهیه فرمایند

وجه آبونه در طهران ده قران و خارج از پایتخت دوازده قران‌است .

شمارهٔ سوم مجله عالم نسوان هیچ در دفتر مدرسه یافت نمیشود . ولی نمرات چهار وپنج وشش و عدهٔ قلیلی از شمارهٔ یك و دو نقداً موجود است .طالبین به اداره رجوع فرمایند

